

WALL STREET LIBERATION

Ferdinando Frega - Nando the Scribe



رهایی از WALL STREET

GILLETTE FROM WALL STREET · 13

آزادی یکی از پرسوءاستفاده‌ترین واژه‌های تمدن مدرن است.
مردم فکر می‌کنند آزادی یعنی تنها بودن.
مستقل بودن.
به هیچ‌کس نیاز نداشتن.
به هیچ چیز وابسته نبودن.
اشتباه می‌کنند.
آدم می‌تواند منزوی باشد و باز هم زندانی.
آدم می‌تواند در میان مردم باشد و باز هم آزاد.
آزادی فقط وقتی آغاز می‌شود که جنگ داخلی درون پایان یابد.
دنیای پزشکی پروتکل می‌سازد.
روان‌شناسان.
روان‌پزشکان.
برنامه‌های دارویی.
مسیرهای درمانی.
نظام‌هایی کامل طراحی می‌شوند تا آنچه را شکسته به نظر می‌رسد تعمیر کنند.
و شاید بسیاری از آن‌ها کمک کنند.
اما پرسشی هست که بی‌پاسخ می‌ماند.
دقیقاً چه چیزی را می‌خواهیم تعمیر کنیم؟
آدم را؟
یا انحراف از انتظار را؟
جامعه ساختار را دوست دارد چون ساختار از قدرت محافظت می‌کند.
هر نسل بی‌وقفه از پیشرفت و تکامل حرف می‌زند.
با این حال بیشتر مردم فقط می‌کوشند صندلی‌هایشان را دور همان میز قدیمی جابه‌جا کنند. زرنگ‌ها قوانین را از نو می‌نویسند.

جاه طلب‌ها ورق‌پخش‌کن می‌شوند.
ساده‌لوح‌ها به بازی ادامه می‌دهند.

و بعد آدم‌هایی مثل من هستند.
آدم‌هایی که به میز نگاه می‌کنند و بازی را می‌شناسند.
اگر از پیش می‌دانید ورق‌پخش‌کن تقلب می‌کند، چرا بنشینید؟
چرا خودتان را به غافلگیری برزید؟
چرا با نظامی تقلبی به چانه‌زنی ادامه دهید؟
پاسخ ساده است.

می‌روید.

نه با خشم.

نه با شکست.

با روشنی.

سال‌ها پیش درسی آموختم از شرکتی که ندانسته زندگی‌ام را شکل داد.
Gillette هرگز به من یاد نداد چطور اصلاح کنم.
Gillette به من یاد داد چطور حذف کنم.
چطور مفید را از بی‌فایده جدا کنم.
چطور ضرورت را از دلبستگی تشخیص دهم.
چطور هیاهو را از میان بردارم.

تیغه هیچ ایدئولوژی‌ای ندارد.

تیغه فقط هدف دارد.

آنچه را دیگر جایی ندارد می‌برد.

رهایی همین است.

نه تغییر جهان.

نه شکست دادن دشمنان.

نه بردن بحث.

فقط آنچه را زائد است بردارید تا آنچه می‌ماند راست باشد.

بزرگ‌ترین ابزار آزادی قانون نیست.

نه یک دولت.

نه یک تشخیص.

نه یک نهاد.

یک تیغه است.
و هر زندگی معناداری سرانجام به یکی نیاز دارد.
چون خرد به ندرت دربارهٔ چیزی است که به دست می‌آوریم.
دربارهٔ چیزی است که سرانجام تصمیم می‌گیریم بترسیم و کنار بگذاریم.

Ferdinando Frega

BLADEFREGA